

بررسی عوامل ژئوپلیتیکی تمایل آمریکا به شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی در خلیج فارس و آثار آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران

دکتر کیومرث یزدان پناه درو* - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

دکتر بهادر زارعی - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

رضا رحیمی - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۲

چکیده

منطقه ژئوپلیتیکی جنوب غرب آسیا که به واسطه نقش‌آفرینی قدرت‌های فرامنطقه‌ای همواره درگیر تحولات فراوانی بوده است، در ماه‌های اخیر نیز شاهد تلاش‌هایی از سوی ایالات متحده آمریکا و کشورهای عربی هم‌پیمانانش در حاشیه خلیج فارس برای شکل‌دهی به یک ائتلاف نظامی عربی و ضد ایرانی بود. با توجه به افزایش تنش و درگیری میان ایران و عربستان سعودی، حمایت همه‌جانبه آمریکا از این کشور در تقابل با ایران و نیز افزایش تلاش‌ها برای شکل‌دهی به این ائتلاف، پژوهش حاضر بر آن شد تا با بهره‌گیری از تکنیک تحلیل اثرات متقاطع و استفاده از نظر کارشناسان به بررسی کیفیت و نقش عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر تمایل آمریکا در شکل‌گیری این ائتلاف بپردازد و بر اساس نظریه‌های نو واقع‌گرایی و الگوهای مختلف روابط ژئوپلیتیکی، نقش این قدرت را در این مسیر ارزیابی کند.

در این پژوهش که با استفاده از نرم‌افزار میک مک و مدل دلفی نسبت به تحلیل یافته‌ها اقدام شد. نتایج به دست آمده نشان داد نقش‌آفرینی‌های آمریکا احتمال شکل‌گیری یک ائتلاف نظامی عربی و ضد ایرانی را در خلیج فارس افزایش داده است و این وضعیت در صورت استمرار امنیت ایران را در ابعاد مختلف به‌ویژه ابعاد اقتصادی و نظامی دچار مشکل خواهد کرد.

واژه‌های کلیدی: ژئوپلیتیک، ائتلاف نظامی، کشورهای عربی، جنوب غرب آسیا، خلیج فارس.

۱- مقدمه

در دهه‌های گذشته کشورهای منطقه ژئوپلیتیکی جنوب غرب آسیا بارها تلاش کردند تا در قالب ائتلاف‌های فراگیر زمینه‌های همکاری و تعامل منطقه‌ای را فراهم و از این طریق با تهدیدهای مشترک مقابله کنند؛ ائتلاف‌هایی مثل ناتوی اسلامی که با هدف مقابله با نفوذ اندیشه‌های مارکسیسم در منطقه طراحی شد و یا شورای همکاری خلیج فارس که با هدف تأمین دسته‌جمعی امنیت خلیج فارس شکل گرفت، اما هیچ‌کدام نتوانست آن‌گونه که انتظار می‌رفت در مسیر اهداف از پیش تعیین شده حرکت کند.

در سال‌های اخیر شکل‌گیری گروه‌های تروریستی و شورشی در کشورهای مثل عراق و سوریه، آغاز حملات جنگنده‌های سعودی به یمن و مداخله‌های نظامی این کشور در بحرین، آشفتگی سیاسی در شمال عراق و افزایش تنش‌ها میان ایران و عربستان، حضور نظامی و مستشاری ایران در عراق و سوریه، حمایت‌های ایران از مردم یمن و بحرین و افزایش دامنه فعالیت‌های تروریستی در کشورهای منطقه از جمله ایران تنها نمونه‌های کوچکی از فضای ملتهب جنوب غرب آسیا بود که اثبات می‌کند در این منطقه تنش و درگیری بر تعامل و همکاری برتری دارد.

در این فضای پرآشوب، کیفیت و چرایی نقش‌آفرینی بازیگران فرامنطقه‌ای از جمله ایالات متحده آمریکا که بر اساس زمینه‌های ژئوپلیتیکی مختلف در جنوب غرب آسیا دنبال می‌شود، از جمله موضوعاتی است که مطالعه و بررسی بر روی آن می‌تواند افق‌های روشنی از چرایی بروز ناامنی در منطقه و راهکارهای خروج از آن را در اختیار بگذارد.

در ماه می سال ۲۰۱۷ میلادی و هم‌زمان با تشدید علاقه کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس برای شکل‌دهی به یک ائتلاف نظامی عربی جدید که برخی تحلیل‌گران آن را ناتوی عربی نام نهادند، آمریکا نیز به صورت جدی به حمایت از این ائتلاف احتمالی پرداخت و با سفر «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور این کشور به ریاض این علاقه را آشکارا به نمایش گذاشت. وال استریترزورنال، روز ۱۵ فوریه از قول مقام‌های عرب که نامشان فاش نشد، نوشت که دولت ترامپ در حال گفت‌وگو با متحدان عربش است تا یک اتحاد نظامی تشکیل دهند و به‌وسیله تبادل

اطلاعات امنیتی با اسرائیل، در برابر دشمن مشترک‌شان یعنی ایران، بایستند (Malas and Parkinson, 2014).

پراکندگی جغرافیایی کشورهای اسلامی، تفاوت برداشت این کشورها از رویکردهای سیاسی و بین‌المللی ایران، ماهیت متفاوت حکومت‌های اسلامی، تعامل‌های فرهنگی و اقتصادی ریشه‌دار برخی از این کشورها با ایران، عدم تمایل برخی کشور برای پذیرش رهبری عربستان سعودی در جنوب غرب آسیا، عدم همراهی کامل کشورهای فرامنطقه‌ای نظیر آمریکا با طرح ... از جمله مواردی است که تاکنون امکان ایجاد یک ائتلاف مقتدر و منسجم در میان کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس را بی‌ثمر گذاشت اما این بار کشورهای عربی منطقه و به‌ویژه عربستان سعودی با همراهی سیاست‌مداران آمریکایی آن‌هم پس از ناکامی در پیشبرد طرح‌های پیشین، در تلاش هستند تا در قالب طرحی جدید و کاملاً متفاوت با طرح‌های گذشته، شانس خود را برای مقابله و کاهش نفوذ ژئوپلیتیکی ایران در منطقه امتحان کنند؛ تلاشی که در قالب ایده جدید ناتوی عربی و در قالب یک ائتلاف نظامی عربی دنبال شد و بنا بر دلایلی نظیر گفتمان ضد ایرانی رئیس‌جمهور کنونی آمریکا، برنامه کلان و بلندمدت آمریکا برای واگذاری امنیت مردم منطقه جنوب غربی آسیا به غیر^۱، علاقه آمریکا به افزایش وابستگی کشورهای عربی به این کشور و تلاش این قدرت فرامنطقه‌ای برای افزایش حاشیه امنیت رژیم اشغالگر قدس از طریق افزایش درگیری‌های داخلی جنوب غرب آسیا حمایت ویژه آمریکایی‌ها به همراه دارد.

تحولات اخیر جهان عرب نیز باعث فعال شدن بیش از پیش گسل‌های کشمکش‌زا بین کشورهای واقع در منطقه خلیج فارس شده و گذار از الگوی ژئوپلیتیکی رقابت به سمت الگوی دشمنی بین ایران و عربستان را به دنبال داشته است؛ به‌گونه‌ای که شاهد نوعی جنگ نیابتی بین ایران و عربستان در عراق، سوریه و یمن شد. این رخداد زمینه‌ها را برای دخالت بیشتر قدرت‌های فرامنطقه‌ای مثل آمریکا به‌عنوان عامل نفوذ بازتر کرد (Sazmand and Jovkar, 2016: 173).

۱- اشاره به این مهم ضروری است که ایالات متحده آمریکا اگرچه در حال حاضر حضور چشم‌گیری در منطقه دارد، اما بر اساس اسناد بالادستی موجود و سیاست‌های کلان تصمیم دارد امنیت جنوب غرب آسیا را به کشورهای درون منطقه واگذار کند.

مطالعه بر روی دلایل و زمینه‌های ژئوپلیتیکی تلاش آمریکا برای ایجاد ائتلاف نظامی عربی در منطقه و تضعیف امنیت جمهوری اسلامی موضوع مهمی است که مورد تأکید این پژوهش قرار دارد و در صورت شناسایی این عوامل و تفکیک آنها از یکدیگر می‌توان تصویر روشنی از آینده به دست آورد.

پژوهش حاضر به دنبال آن است تا با بهره‌گیری از دانش جغرافیای سیاسی و مهارت ژئوپلیتیک زمینه‌ها و دلایل بازیگری آمریکا در شکل‌دهی به ائتلاف نظامی عربی جدید در منطقه جنوب غرب آسیا تحت عنوان متداول ناتوی عربی و آثار آن بر روی امنیت منطقه‌ای و ملی ایران را بررسی کند و راهکارهای بهینه برخورد ایران با این تحولات را ارائه دهد. در این پژوهش که بر اساس روش توصیفی تحلیلی انجام شد، برای رسیدن به یک تصویر دقیق از شرایط منطقه جنوب غرب آسیا و زمینه‌های ژئوپلیتیکی بازیگری آمریکا در شکل‌دهی به ائتلاف‌های جدید نظامی عربی از تکنیک تحلیل اثرات متقاطع و نیز نظر کارشناسان استفاده و بر اساس نرم‌افزار میک مک نسبت به تحلیل آنها اقدام شد.

۲- روش تحقیق

با وقوع انقلاب اسلامی، تغییر گفتمان بین‌المللی ایران و آغاز تقابل ایران با ایالات متحده آمریکا، جنوب غرب آسیا از این تغییر بی‌تأثیر نماند و همکاری‌های توأم با رقابت ایران با کشورهای منطقه در سال‌های قبل از انقلاب به رقابت‌های توأم با تنش و درگیری تبدیل شد؛ تنش‌هایی که در سال‌های اخیر به اوج خود رسیده و امنیت منطقه را متأثر کرده است. از جمله این تحولات باید به تلاش‌های پیوسته کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس و به‌ویژه عربستان سعودی برای شکل‌دادن به یک ائتلاف نظامی اشاره کرد که از سوی ایالات متحده آمریکا نیز به‌شدت حمایت می‌شود.

با اینکه در سال‌های گذشته برخی پژوهشگران داخلی و بین‌المللی به فراهم شدن زمینه‌های شکل‌گیری یک ائتلاف نظامی عربی و ضد ایرانی به رهبری کشور آمریکا در حاشیه خلیج فارس اشاره کرده‌اند، اما به دلیل اینکه ائتلاف مذکور تاکنون سازمان نیافته است، پژوهش مبسوط و

مفصلی در این باره موجود نیست. از این رو پژوهش حاضر سعی دارد بیش از آنکه به مطالعه وضع موجود بپردازد، شرایطی را مورد مطالعه قرار دهد که احتمال رخ دادنش در آینده وجود دارد.

پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی و ترکیبی است. در این پژوهش برای رسیدن به مطلوب و ارزیابی صحیح فرضیه‌ها علاوه بر مطالعه منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، از تکنیک تحلیل اثرات متقاطع که یکی از روش‌های مطالعاتی در حوزه آینده‌پژوهی است، استفاده شد.

روش مطالعاتی تکنیک تحلیل اثرات متقاطع در این پژوهش بر این سؤال استوار است که عوامل مؤثر بر نقش‌آفرینی آمریکا در شکل‌دهی به ائتلاف نظامی عربی در حاشیه خلیج فارس کدام است و این نقش‌آفرینی‌ها چه آثاری بر روی امنیت جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت؟ در این تکنیک رویدادها به‌مثابه متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده و از طریق بررسی خروجی (دو به دو) با متغیرهای مؤثر یا پیشران (در سطر و ستون) احتمالات آینده پدید می‌شود. روش پیش‌بینی آینده و بررسی کیفیت عوامل مؤثر بر یک مسئله به‌وسیله نرم‌افزار میک مک که توسط مایک گودت اختراع شده است، این امکان را می‌دهد که با کمک گرفتن از ارتباط ماتریسی همه مؤلفه‌های اصلی یک سیستم تشریح شوند و با بررسی این ارتباطات روش و امکان آشکارسازی متغیرهای اصلی جهت ارزیابی سیستم ممکن شود؛ نرم‌افزاری که در آن میزان ارتباط میان مؤلفه‌ها با اعداد بین صفر تا سه سنجیده می‌شود. عدد صفر به‌منزله بدون تأثیر، عدد یک به‌منزله تأثیر ضعیف، عدد دو به‌منزله تأثیر متوسط و در نهایت عدد سه به‌منزله تأثیر زیاد است. دستیابی به مؤلفه‌های مؤثر بر تحولات مسئله مورد پژوهش و جمع‌آوری داده‌ها نیز با کمک پرسش‌نامه و از طریق روش دلفی صورت گرفت.

به‌طور کلی پژوهش حاضر به‌دنبال پاسخ به این سؤال است که عوامل مؤثر بر نقش‌آفرینی و علاقه آمریکا در شکل‌دهی به ائتلاف نظامی عربی در حاشیه خلیج فارس کدام است و این نقش‌آفرینی چه آثاری بر روی امنیت جمهوری اسلامی ایران در ابعاد مختلف خواهد داشت؟

۳- مفاهیم نظری

ژئوپلیتیک

با توجه به اینکه در فضاهای جغرافیایی مختلف گروه‌های اجتماعی بشر بر پایه منافع مشترک می‌توانند به خود سامان سیاسی متحد دهند و به دلیل اینکه حیات و بقا و زندگی واحدهای انسانی از حیث سیاسی به شدت به عوامل جغرافیایی وابسته بوده و از سوی دیگر به سطح قابل قبولی از قدرت جمعی بستگی دارد، شاید بتوان در یک نگاه کلی سه پارامتر جغرافیا، قدرت و سیاست که الگوهای رفتاری گروه‌های متشکل را نسبت به یکدیگر تعیین می‌کنند در اشکالی مثل نوسان قدرت، رقابت، همگرایی، واگرایی، نفوذ، بحران، سلطه‌گری، سلطه‌پذیری، تعامل، صلح، ائتلاف، جنگ، امنیت، تجارت، مبادله، ثبات و غیره ماهیت اصلی ژئوپلیتیک قلمداد کرد (Hafeznia, 2006: 20).

ژئوپلیتیک یک ساختار فکری برآمده در اوایل قرن بیستم است که توسط افرادی چون هاوس هوفر، فردریک راتزل، رودلف کیلن، جان اسپایکمن و آلفرد ماهان مطرح شد. این مفهوم در قالب دانش جغرافیای سیاسی در بسیاری از کشورهای جهان توسعه پیدا کرد؛ مفهومی که در ساختار فکری آن هدف شناسایی و ساماندهی روش‌هایی است که توسط آن دولت‌ها می‌توانستند قدرت خارجی خود را افزایش دهند و در این مسیر از مسائلی مثل توپوگرافی، هیدرولوژی، منابع مربوط به کشاورزی، صنعت، سیستم‌های حمل و نقل و ارتباطات به بهترین شکل ممکن بهره ببرند (Garfinkle, 2015: 533).

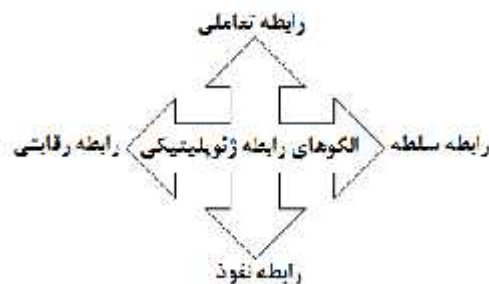
منطقه ژئوپلیتیکی

بخشی از سطح سیاره زمین و یا مجموعه‌ای از کشورها و واحدهای سیاسی-فضائی هم‌جوار، اعم از فضای خشکی یا آبی یا تلفیقی که بر اساس ترکیب عوامل سیاسی و جغرافیایی خاص دارای تجانس و هویت مشخص و یا کارکرد مشترک بوده و از سایر مناطق و نواحی مجاور متمایز باشد را منطقه ژئوپلیتیکی گویند. منطقه ژئوپلیتیکی بستر ساز شکل‌گیری الگوی فضایی روابط سیاسی دولت‌های درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای است و در فرایند تکاملی خود به سازه

ژئوپلیتیکی تبدیل می‌شود؛ حالتی که در آن نیروهای سیاسی منطقه‌ای و غیر منطقه‌ای فعال شده و فرایندهای همگرایی، واگرایی، کشکش، ستیز و یا همکاری در آن توسعه می‌یابد و روابط سیستمی بازیگران درون و برون منطقه‌ای مبتنی بر عناصر ساختاری و کارکردی منطقه به صورت پیدا و پنهان شکل می‌گیرد (Hafeznia, 2006: 112).

الگوهای رابطه ژئوپلیتیکی

روابط ژئوپلیتیکی روابطی هستند که بین کشورها و دولت‌ها و بازیگران سیاسی بر پایه ترکیب عناصر سیاست، قدرت و جغرافیا برقرار می‌شوند. در شکل‌گیری هرگونه رابطه میان بازیگران، عنصر سیاست در قالب بازیگری سیاسی که به ماهیت رابطه شکل می‌دهد و نیز کنش‌هایی که توسط بازیگر انجام می‌شود، پدیدار می‌شود. عنصر قدرت در شکل دادن به الگو و ماهیت رابطه و نگرش بازیگران نسبت به هم تجلی پیدا می‌کند. عنصر جغرافیا نیز نقش بسترساز را ایفا کرده و انگیزه‌های لازم برای شکل‌گیری اراده سیاسی رابطه، تجلی فضایی رابطه و نیز تأثیرگذاری بر سطح قدرت بازیگر را سبب می‌شود. روابط ژئوپلیتیکی میان بازیگران از الگوهای مختلفی شکل می‌گیرد که می‌توان آن‌ها را تعاملی، رقابتی، نفوذ و سلطه نام‌گذاری کرد (Ibid: 363).



شکل شماره ۱: الگوهای رابطه ژئوپلیتیکی

نظریه‌های نواقع‌گرایی در مورد ائتلاف‌های نظامی

نظریه‌های نواقع‌گرایی بر اساس فرضیات مشخصی شکل گرفته است که در آن هرج و مرج اصل اساسی نظام بین‌الملل معرفی شده است و کشورها بیش از هر چیز بر منافع شخصی فکر

می‌کنند. کشورها تنها به دلیل مقابله با دشمن وارد اتحادیه می‌شوند و بدون دشمن اتحادیه از بین می‌رود. نظریه‌هایی که نو واقع‌گرایان طرح کردند، تلاش دارد تا از ابعاد مختلف چرایی شکل‌گیری ائتلاف‌های نظامی را مورد بررسی قرار دهد (Waltz, 1979: 79).

به بیان دیگر آنها حالت‌های مختلف شکل‌گیری ائتلاف‌های فراملی در یک منطقه ژئوپلیتیکی را مطرح می‌کنند که از جمله آنها می‌توان به نظریه موازنه قوا، نظریه موازنه تهدید، نظریه موازنه منافع و نظریه هژمونی اشاره کرد.

در چارچوب موازنه قوا که از قدیمی‌ترین نظریات سیاست بین‌الملل نیز است و توسط افرادی مثل والتز مطرح شد، کشورها زمانی به سمت ائتلاف می‌روند که کشوری در منطقه قدرتمند شود و احتمال سلطه آن وجود داشته باشد. در این شرایط کشورهای دیگر برای مقابله با این سلطه و ایجاد توازن قوا به سمت ائتلاف کشیده می‌شوند تا از این طریق مانع شروع یک جنگ شوند (Ray, 1998: 353). از نظر نوواقع‌گرایان، دولت‌ها زمانی دست به تشکیل ائتلاف می‌زنند که ایجاد موازنه در مقابل یک تهدید را ضروری احساس کنند و بدین ترتیب ائتلاف تشکیل می‌شود. ولی ایجاد هر اتحاد یا همگرایی به نسبت درجه انسجام و قدرت آن از آزادی عمل کشورهای عضو ائتلاف کاسته و هزینه‌هایی را برای آنها تحمیل می‌کند. نظریه موازنه قوا بیان می‌کند که در سیستم بین‌المللی توازن قوا به‌عنوان یک امر جبری به‌صورت خودکار شکل می‌گیرد و اتحادها عامل اصلی شکل‌دهی این فرایند خودکار هستند (Gelpi, 1999: 107).

بر اساس نظریه موازنه تهدید که توسط افرادی مثل استیفن والت مطرح شد، کشورها در مسیر شکل‌دهی به ائتلاف به دنبال توازن قوا نیستند و در تلاش هستند تا موازنه‌ای بر ضد تهدیدهایی که نسبت به آن احساس خطر می‌کنند ایجاد کنند و در این مسیر دست به اتحاد با یکدیگر می‌زنند؛ تهدیدهایی که شاید تماماً بر اساس قدرت دولت‌های متعارض استوار نباشد. جدا از دو نظریه مذکور، در چارچوب نظریه موازنه منافع نیز که توسط افرادی چون اشولر طرح شد، مهمترین عنصر تعیین‌کننده ائتلاف، سازگاری اهداف سیاسی و منافع و نه عدم توازن قدرت یا تهدید است. به تعبیر اشولر رفتار یک کشور در اتحادیه ضرورتاً توسط حضور یک قدرت یا تهدید خارجی تعیین نمی‌شود بلکه از طریق فرصت‌ها برای دستاوردها و منافع تعیین می‌گردد.

یکی دیگر از افرادی که در چارچوب نظریه نواقح‌گرایی در مورد ائتلاف‌ها نظر داده است، اشولر می‌باشد. وی با انتقاد از نظریه موزارنه قوا و موازنه تهدید، نظریه موازنه منافع را ارائه کرد. از نظر او مهم‌ترین عنصر تعیین‌کننده ائتلاف، سازگاری اهداف سیاسی و منافع است، نه عدم توازن قدرت و یا تهدید. به تعبیر وی رفتار یک کشور در اتحادیه ضرورتاً توسط حضور یک قدرت یا تهدید خارجی تعیین نمی‌شود بلکه از طریق فرصت‌ها برای دستاوردها و منافع تعیین می‌شود (Waltz, 1979: 91-97).

در قالب نظریه نواقح‌گرایی، نظریه دیگری تحت عنوان نظریه هژمونی نیز مطرح است که آن را برای اولین بار جوزف نای طرح کرد و بر اساس آن یک کشور به اندازه‌ای قدرتمند است که بر روابط بین کشورها حکومت کند و قصد چنین کاری را نیز داشته باشد (Brilmayer, 1994: 14).

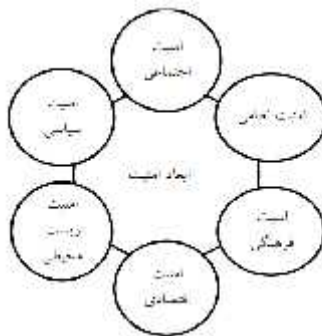
اگرچه معمولاً هژمونی در چارچوب نظریه واقع‌گرایی و به‌ویژه واقع‌گرایی ساختاری بررسی می‌شود، اما درباره این مفهوم در چارچوب نظریه‌های مختلف دیگر نیز بحث شده است. مارکسیست‌ها آن را به‌عنوان مرحله پیشرفته و پیچیده‌ای از سلطه، غلبه طبقاتی و امپریالیسم و برای جبران ناتوانی نظریه‌های امپریالیسم و وابستگی مورد توجه قرار داده‌اند و در ادبیات جدید این حوزه، به‌ویژه در نظریه «نظام جهانی»، فراوان از آن بهره جسته‌اند. والرشتاین آن را به‌طور جدی و از منظر جامعه‌شناسی تاریخی روابط بین‌الملل به آن دقت کرده است. به‌صورت کلی یک دولت جهت ایفای نقش هژمون به منابع متعددی نیاز دارد و علاوه بر قدرت نظامی باید بر چهار مجموعه از منابع عمده اقتصادی کنترل داشته باشد: مواد خام، منابع سرمایه، بازار و برتری بی‌رقیب در تولید کالاهایی که ارزش بسیار بالایی دارند. در واقع برای اینکه یک دولت بتواند در موقعیت هژمونی قرار بگیرد باید مجموعه‌ای از اسباب و عوامل را فراهم آورد. این اسباب شامل برتری نسبی، اراده ملی و پذیرش بین‌المللی است (George, 1993: 198-202).

به بیان دیگر مفروضه نظریه نواقح‌گرایی و قالب‌های فکری زیر مجموعه‌اش در نظام بین‌الملل این است که دولت‌ها (بازیگران اصلی) سعی دارند با بهره‌گیری از ابزارهای داخلی و خارجی حداکثر منافع خود را تأمین کنند. بر همین اساس نو واقع‌گرایان به‌جای تلقی قدرت

به‌عنوان هدف نهایی، آن را ابزاری دوسویه می‌بینند که اگر دولت‌ها در میزان در اختیار داشتن آن دچار افراط یا تفریط شوند و موازنه قدرت در یک منطقه بر هم بخورد، احتمال مخاطره و ناامنی بالا می‌رود.

امنیت و ابعاد مختلف آن

امنیت در معنای عینی آن یعنی فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های کسب شده و در معنای ذهنی آن یعنی فقدان هراس از اینکه ارزش‌های مزبور مورد حمله قرار می‌گیرد (Wolfers, 1962: 105). بر پایه مفهوم امنیت کشوری دارای امنیت است که در صورت احتراز از جنگ، مجبور به فدا کردن منافع حیاتی خود نباشد و در صورت وقوع جنگ منافع حیاتی خود را با پیروزی در جنگ حفظ کند. امنیت ابعاد مختلفی از جمله اجتماعی، سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی دارد و در سطوح مختلف محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی قابل تعریف است (Roshandel, 1996: 11).



شکل شماره ۲: ابعاد مختلف امنیت (ترسیم: نگارندگان)

بری بوزان و ال ویور در کتاب مشترک‌شان با عنوان «مناطق و قدرت‌ها»، مدعی هستند که امنیت هیچ کشوری تنها متکی بر خود نیست و نمی‌توان برای تحلیل امنیت ملی یک کشور به عوامل داخلی اتکا کرد. از طرفی به دلیل اینکه سطح جهانی نیز بسیار کلی و فاقد فهم کلی از امنیت برای کشورهاست، بنابراین آنها سطح منطقه‌ای را به‌عنوان سطح تحلیل مناسب معرفی

می‌کنند (Buzan and Waever, 2009: 54).

آمریکا و منطقه جنوب غرب آسیا

از میانه قرن نوزدهم به بعد ایالات متحده آمریکا تلاش سازماندهی شده‌ای را برای ایجاد ارتباط با ایران و عربستان سعودی به‌عنوان دو قدرت پر نفوذ منطقه در پیش گرفت و مناسبات اقتصادی و نظامی خود را از طریق این دو کشور پیش برد. به گفته گازیوروسکی، توسعه فعالیت هیئت‌های مذهبی در ایجاد مدارس و درمانگاه‌ها در نقاط مختلف ایران و لزوم حمایت از اتباع آمریکا که تعداد آن‌ها هم چنان افزایش می‌یافت، یکی از دلایل برقراری روابط سیاسی بین ایران و ایالات متحده در سال ۱۸۸۳م بود (Khedrizadeh, 2006: 9). مداخلات ایالات متحده و نقش و تأثیرگذاری آنان در این منطقه که در راستای منافع دولت آمریکا و رژیم صهیونیستی طراحی شده بود، خیلی زود آثار منفی خود را بر روی امنیت منطقه گذاشت و درگیری‌های فراوانی در منطقه شکل گرفت. آغاز جنگ ۶ روزه اعراب و اسرائیل در سال ۱۳۴۵ موجی از جنگ و خون‌ریزی را جنوب غرب آسیا ایجاد کرد و بخش عمده‌ای از خاک کشورهای عربی را به تصرف رژیم صهیونیستی که مورد حمایت کامل آمریکا بود درآورد، یکی از این موارد است (Karimipour, 2013: 54).

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شرایط برای حضور و فعالیت این کشور در خاک ایران و نیز همکاری با ایران برای پیش برد منافع در جنوب غرب آسیا به کلی از بین رفت و فضا به‌گونه‌ای پیش رفت که روزه‌روز بر دامنه تنش‌های میان دو کشور افزوده شد. برخلاف افزایش بی‌اعتمادی و تنش میان ایران و آمریکا و تلاش‌های فراوان این قدرت جهانی برای تضعیف و نابودی حکومت جمهوری اسلامی ایران، رابطه کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و به‌ویژه عربستان سعودی با آمریکا روزه‌روز بهتر شد. آمریکایی‌ها در مسیر تقویت تعامل‌های خود با کشورهای سرمایه‌دار خلیج فارس، پیشبرد منافع راهبردی خود در جنوب غرب آسیا و نیز کسب سود اقتصادی را دنبال کردند اما به هر حال این تعامل‌های گسترده بر افزایش دامنه تنش‌های میان ایران و کشورهای عربی مؤثر بود (Javadifath, 2006: 23).

آمریکایی‌ها اکنون با این حقیقت روبه‌رو هستند که مفهوم «هارتلند» به دنیای مطالعات ژئوپلیتیک بازگشته است و از محل سنتی خود اندکی به سمت جنوب و میان دریای خزر تا خلیج فارس تغییر مکان داده است. به گونه‌ای که ایران قلب این هارتلند جدید است و همین امر اجازه نمی‌دهد آمریکایی در برابر تحولات ایران و افزایش قدرتش بی‌تفاوت باشند (Mahdian and others, 2017: 218).

آمریکایی‌ها در جدیدترین اقدام خود برای افزایش و تقویت همکاری‌ها با کشورهای حاشیه خلیج فارس و نیز ادامه تلاش‌های ضد ایرانی، بر آن است تا کشورهای عربی خلیج فارس را به شکل‌دهی یک ائتلاف نظامی عربی ترغیب کند؛ تلاش‌هایی که زمینه و مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی فراوانی سیاستمداران آمریکایی را به عملیاتی کردن این ائتلاف و افزایش فشارها بر این وا می‌دارد.

۴- یافته‌های پژوهش

به‌صورت کلی منطقه ژئوپلیتیکی جنوب غرب آسیا به‌صورت جزئی حاشیه جنوبی خلیج فارس که در طول سال‌های متمادی پایگاه تلاش‌های فراوان آمریکایی‌ها برای کاهش قدرت و امنیت ملی ایران و به چالش کشیدن امنیت منطقه‌ای جنوب غرب آسیا بود، قلمرو جغرافیایی پژوهش حاضر است؛ منطقه‌ای که اخیراً در آن برخی کشورهایی عربی با حمایت‌های ویژه رئیس‌جمهور آمریکا در پی آغاز تلاش‌های جدیدی برای تضعیف موقعیت ایران هستند.

در منطقه مورد اشاره کشورهای مثل عربستان سعودی، یمن، بحرین، اردن، امارات متحده عربی، کویت و همچنین مصر به‌شدت شکل‌گیری یک ائتلاف نظامی عربی را دنبال می‌کنند و البته برخی کشورهای عربی آفریقایی دیگر مثل مراکش، سودان، لیبی، الجزایر و تونس نیز نسبت به عضویت در آن علاقمند هستند.



نقشه شماره ۱: منطقه جنوب غرب آسیا (www.quora.com)

در اولین مرحله پیاده‌سازی مدل محاسباتی ذکر شده برای ارزیابی و سنجش ترتیب و جایگاه دلایل و چرایی تمایل آمریکا برای شکل‌دهی به ائتلاف نظامی عربی در حاشیه خلیج فارس، ۱۳ عامل احتمالی بر اساس نظرات کارشناسان و ادعاهای مقامات این کشور انتخاب و در ۵ قالب کلی اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، نظامی، سیاسی و جغرافیایی تقسیم‌بندی شد. در گام بعد، برای این عوامل بر اساس ضرورت نرم‌افزار تحلیلگر مورد استفاده، نشانک‌های کوتاه انتخاب شد و پس از تهیه ماتریس این عوامل، نظر ۱۵ نفر از کارشناسان حوزه مورد مطالعه شامل ۵ استاد دانشگاه در رشته‌های جغرافیای سیاسی و روابط بین‌الملل، ۵ دانشجوی دکتری در این حوزه و نیز ۵ کارشناس مسائل بین‌الملل فعال در رسانه‌ها در مورد میزان اثرگذاری هرکدام از عوامل بر روی یکدیگر پرسیده شد و بر اساس میانگین تقریبی نظرات دریافتی از آنها ماتریس مورد نظر تشکیل و وارد نرم‌افزار شد.

جدول شماره ۱: عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر تلاش آمریکا در شکل دهی به ائتلاف نظامی عربی

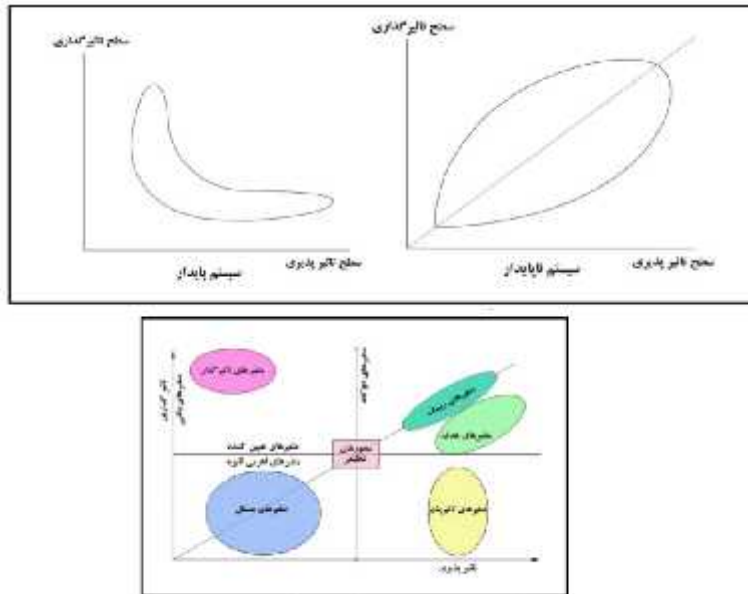
ردیف	مؤلفه	عوامل شکل‌گیری	عنوان کوتاه
۱	اجتماعی و فرهنگی	تغییر سبک زندگی مردم منطقه	سبک
		مقابله با گسترش دین اسلام در جهان	اسلام
		مقابله با گسترش انقلاب اسلامی ایران در منطقه	انقلاب
۲	اقتصادی	تسلط بر منابع نفتی و غیرنفتی منطقه	منابع
		جلوگیری از نفوذ رقبا در منطقه	رقبا
		افزایش مناسبات اقتصادی با کشورهای منطقه	مناسبات
۳	نظامی	جلوگیری از افزایش قدرت نظامی ایران	قدرت ایران
		افزایش قدرت نظامی رژیم صهیونیستی	قدرت اسرائیل
		تسلط بر پایگاه‌های نظامی حساس منطقه	پایگاه
۴	سیاسی	گسترش دموکراسی در منطقه	دموکراسی
		تسلط بر حکومت‌های منطقه	تسلط سیاسی
۵	جغرافیایی	تسلط بر موقعیت جغرافیایی جنوب غرب آسیا	جغرافیا
		کمک به کشورهای منطقه در راستای توسعه جغرافیایی	توسعه

با توضیح این مهم که در ماتریس تهیه شده، عوامل سطر بر ستون تأثیرگذار است، خبرگان مرجع پرسش باید از میان ۴ عدد صفر=بی‌تأثیر، ۱=تأثیر کم، ۲=تأثیر متوسط و ۳=تأثیر خیلی زیاد یک عدد را بر اساس نظر شخصی در جدول ماتریس می‌نوشتند. جامعه آماری ۷ متخصصی که این ماتریس را پر کردند، داده‌هایی را جمع‌آوری به دست داد که به پس از تحلیل با نرم‌افزار میک مک، مبنای تحلیل شدند.

جدول شماره: ۲ ماتریس عوامل مؤثر بر تلاش آمریکا در شکل‌دهی به ائتلاف با از نظر کارشناسان

عوامل مؤثر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱. امنیت منطقه	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۲. نفوذ آمریکا	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۳. نفوذ اسرائیل	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۴. نفوذ ایران	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۵. نفوذ عربستان	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۶. نفوذ قطر	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۷. نفوذ امارات	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۸. نفوذ عربستان سعودی	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۹. نفوذ یمن	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۰. نفوذ عراق	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱

روش این نرم‌افزار این‌گونه است که ابتدا متغیرهای مهم شناسایی می‌شود و در ماتریسی که توضیح آن آمد و کار بررسی و تحلیل اثرات متقاطع را انجام می‌دهد، وارد می‌شوند. نرم‌افزار میک مک خروجی‌های مختلفی دارد که به‌طور کلی در دو نوع کلی قابل تقسیم است و شرح آن به این صورت است که اگر عوامل موجود حول محور قطرها قرار بگیرند، این مسئله حکایت از ناپایداری سیستم و اگر به شکل L باشد این موضوع گویای پایداری سیستم است. وضعیت قرارگیری عوامل در بخش‌های مختلف مختصات در محور تأثیرگذاری و تأثیرپذیری نیز امکان‌های مختلفی را برای تحلیل پیش می‌آورد (Behshti and Zali, 2011: 61).



شکل شماره ۳: وضعیت قرارگیری عوامل توسعه در محور تأثیرگذاری و تأثیرپذیری (Mohamadpour and other, 2016: 5)

۵- تجزیه و تحلیل

همان‌طور که بیان شد در تکنیک تحلیل اثرات متقاطع و در خروجی نرم‌افزار آینده‌نگاری میک مک، اگر عوامل وزن داده شده در جدول مختصات به شکلی شبیه به L پراکنده شوند، حکایت از وجود نوعی پایداری در سیستم و اگر به در محور قطرها پراکنده شوند، حکایت از ناپایداری در سیستم است.

در بررسی انجام شده در رابطه با دلایل و زمینه‌های فعالیت ایالات متحده آمریکا در منطقه و تلاش این کشور برای شکل دادن به یک ائتلاف نظامی عربی در حاشیه خلیج فارس، عوامل مطالعه شده نشانی از پایداری در سیستم نداشت و در عین حال به صورت کامل بر ناپایداری کامل هم دلالت نکرد؛ شرایطی که می‌توان از آن وضعیتی میانه را تفسیر و استخراج کرد. در مطالعه انجام شده و بر اساس خروجی‌های نرم‌افزار، به‌رغم اینکه آمریکایی‌ها میدان فعالیت

خود را بیشتر در حاشیه خلیج فارس متمرکز کرده‌اند و برنامه‌های خود را از این منطقه هدایت می‌کنند، اما حفظ حیات رژیم صهیونیستی اسرائیل و افزایش قدرت این کشور یکی از دلایل اصلی و اثرگذار در تلاش‌های آمریکا برای هرگونه فعالیت در جنوب غرب آسیا از جمله تلاش این کشور برای شکل دادن به یک ائتلاف نظامی عربی است. بر این اساس باید این‌گونه تفسیر کرد که مادامی که رژیم صهیونیستی اسرائیل در منطقه حضور دارد و حفظ موجودیت و نیز افزایش قدرت این رژیم یکی از دغدغه‌های اصلی آمریکایی‌ها است، حضور این کشور در منطقه و حمایت‌های نظامی‌اش از کشورهای هم‌پیمان غیرقابل انکار است.

بر اساس تکنیک به‌کار رفته، موضوع مهم دیگری که به‌عنوان یکی از عوامل اصلی تلاش آمریکا برای شکل‌دهی به ائتلاف نظامی عربی منطقه نقش دارد، جلوگیری از افزایش قدرت ایران در جنوب غرب آسیا است. به بیان دیگر آمریکا تلاش دارد تا با هر روشی که ممکن است از افزایش قدرت ایران جلوگیری به عمل آورد.

جدا از تلاش برای افزایش قدرت نظامی رژیم صهیونیستی و جلوگیری از افزایش قدرت جمهوری اسلامی ایران، عوامل دیگری مثل جلوگیری از گسترش اسلام در جهان، حفظ و تقویت پایگاه‌های نظامی آمریکا در خلیج فارس و نیز مقابله جدی با رقبای جهانی در رابطه با تسلط بر جنوب غرب آسیا در تلاش‌های این کشور برای حمایت از هرگونه ائتلاف و همگرایی ضد ایران و هم‌پیمانانش تأثیر بسزایی دارد.

گسترش دموکراسی در منطقه جنوب غرب آسیا که به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در تکنیک به آن اشاره شد، در بررسی انجام شده به‌عنوان یک متغیر مستقل تعریف شد و این مهم حکایت از این دارد که این مفهوم یعنی گسترش دموکراسی نمی‌تواند از جمله دلایل اصلی همراهی آمریکا با کشورهایی باشد که در منطقه با دنبال شکل‌دهی به ائتلاف‌های ضد ایرانی هستند. به‌عبارت بهتر و بر اساس خروجی‌های نرم‌افزار نهادینه شدن یا نهادینه نشدن دموکراسی در منطقه برای آمریکایی‌ها در اولویت اصلی قرار ندارد.

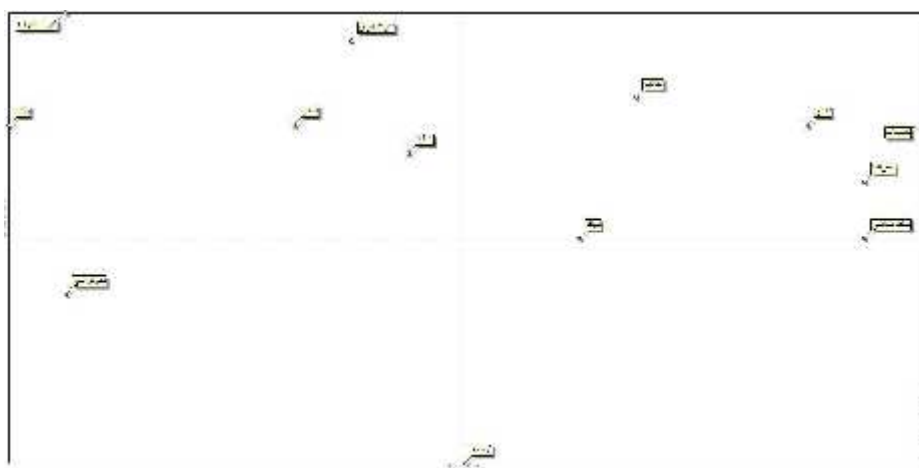
آنچه که آمریکایی‌ها معمولاً در توجیه دلیل حضور و بازیگری خود در جنوب غرب آسیا تحت عنوان تلاش برای توسعه کشورهای منطقه بیان می‌کنند، در بررسی انجام شده به‌عنوان یکی

از عوامل تأثیرپذیر تعیین شد و این موضوع نشان داد که بحث توسعه منطقه به شدت از موضوع حضور مداوم آمریکا در جنوب غرب آسیا تأثیر پذیرفته است. به بیان دیگر و با توجه به وضعیت کنونی کشورهای حاشیه خلیج فارس، علی‌رغم شعارها حضور آمریکا تأثیر چندانی بر توسعه آنها نداشته است.

در مطالعه انجام شده، افزایش مناسبات اقتصادی با کشورهای حاشیه خلیج فارس در راستای اهداف کلان ایالات متحده آمریکا، تسلط بر موقعیت جغرافیایی استراتژیک و حساس جنوب غرب آسیا به‌ویژه خلیج فارس، تسلط سیاسی بر حکومت‌های این منطقه و تسلط بر منابع نفتی و غیرنفتی از جمله اهداف اصلی آمریکا در مسیر تلاش‌های این کشور برای شکل‌دهی به یک ائتلاف نظامی عربی و ضد ایرانی معرفی شد.

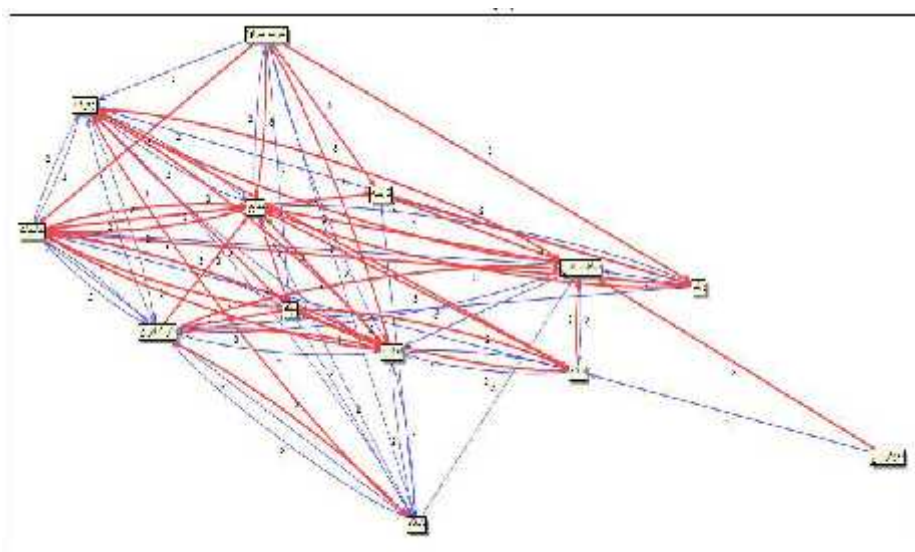
مقابله با گسترش انقلاب اسلامی ایران نیز یکی دیگر از اهداف اصلی حضور آمریکا از همراهی با ائتلاف نظامی عربی تحت عنوان ناتوی عربی است که البته تحت عنوان متغیرهای ریسک‌پذیر نیز قابل تفسیر است و معنای آن این است که آمریکایی‌ها الزاماً با انقلاب اسلامی ایران مخالفتی ندارند؛ آنها با انقلاب اسلامی ایران مادامی مخالف هستند که بدانند این انقلاب و حکومت برآمده از آن منافع آنها را در منطقه تهدید می‌کند.

شکل شماره ۴: پراکنش عوامل مؤثر بر تلاش آمریکا در شکل‌دهی به ائتلاف در جدول مختصات



میزان اثرگذاری هرکدام از عوامل مؤثر بر نقش‌آفرینی ایالات متحده آمریکا در شکل‌دهی به ائتلاف نظامی عربی گویای این است که دموکراسی یکی از عواملی است که روی هدف آمریکا در موضوع تلاش برای تسلط سیاسی بر روی کشورهای منطقه اثرگذار است و همچنین تلاش‌های آمریکا برای مقابله با گسترش اسلام را با حالت دوگانه‌ای که دارد، متأثر کرده است. تلاش برای افزایش قدرت اسرائیل از جمله عوامل مستقل و اثرگذاری است که عوامل دیگری مثل تلاش آمریکا برای جلوگیری از نفوذ رقبا در جنوب غرب آسیا، تلاش برای توسعه منطقه، تلاش برای تسلط بر منابع کشورها و نیز نوع مناسبات آمریکا با کشورهای منطقه را متأثر کرده و بروی آن‌ها اثرگذار است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که افزایش قدرت جمهوری اسلامی ایران به شدت بر روی تلاش برای افزایش پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه مؤثر است و نیز افزایش پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه توان این کشور برای تسلط بر موقعیت جغرافیایی جنوب غرب آسیا را تسهیل کرده است. از سویی انقلاب اسلامی ایران و تلاش‌های آمریکا برای مقابله با آن، یکی از عواملی است که به شدت از سوی سایر عوامل مثل افزایش قدرت رژیم صهیونیستی اسرائیل، تسلط افزایش مناسبات آمریکا با کشورهای منطقه و موقعیت جغرافیایی منطقه تأثیر پذیرفته‌اند.

عامل مهم دیگری که اشاره به نحوه اثرگذاری و اثرپذیری آن مهم است، تلاش‌های آمریکا برای تسلط سیاسی بر روی حکومت‌های منطقه است. این عامل از عوامل دیگری مثل تلاش برای مقابله با اسلام، تلاش برای تسلط بر موقعیت جغرافیایی منطقه، جلوگیری از افزایش قدرت ایران و تلاش برای مقابله با رقبا تأثیر می‌پذیرد.



شکل شماره ۵: میزان اثرگذاری عوامل مؤثر بر تلاش آمریکا در شکل‌دهی به ائتلاف بر روی هم

۶- نتیجه‌گیری

در این پژوهش تمایل آمریکا به شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی در منطقه جنوب غرب آسیا بررسی و با رویکرد نواقع‌گرایی در بستر دانش ژئوپلیتیک آثار احتمالی این ائتلاف بر روی امنیت ملی ایران ارزیابی شد. اگرچه تا کنون در رابطه با عوامل حضور و تلاش‌های اخیر آمریکا در منطقه خلیج فارس و مناسبات این کشور با کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس پژوهش‌های فراوانی انجام شده اما در اکثر آنها نقطه مغفول ماجرا بررسی دقیق میزان اثرگذاری این عوامل و وزن دهی به آنها با هدف دست‌یابی به یک نمای مشخص از این موضوع و نیز ترسیم تصویری

روشن از آینده منطقه است.

در شرایط کنونی منطقه ژئوپلیتیکی جنوب غرب آسیا که کشور ایران توانسته است با افزایش نفوذ ژئوپلیتیکی خود برخی کشورهای منطقه را در دنبال کردن سیاست‌های مشابه همراه کند و محور مقاومت را در منطقه شکل بدهد، آمریکا و متحدانش در منطقه از این موضوع نگران هستند. به‌ویژه آنکه آنها در مقاطع تاریخی و مکان‌های جغرافیایی مختلف مثل میدان نبرد سوریه و عراق توان شکست محور مقاومت و نفوذ کامل در ساختار حاکمیتی را ندارند. در چنین شرایطی آمریکایی‌ها تلاش‌های جدیدی مثل شکل‌دهی به یک ائتلاف نظامی عربی را در منطقه دنبال می‌کنند تا ضمن تقویت موقعیت خود در جنوب غرب آسیا همچنین زمینه‌های تضعیف قدرت ژئوپلیتیکی ایران را در منطقه فراهم کنند.

جدا از دانش ژئوپلیتیک و مبحث الگوهای ژئوپلیتیکی این دانش که به‌واسطه چهار الگوی مطرح در آن یعنی رابطه رقابتی، سلطه، نفوذ و تعامل که توضیح آنها رفت و می‌توان با بررسی‌هایی که مدنظر پژوهش حاضر بود، الگوی مسلط کنونی را از آن استنباط کرد، در دانش روابط بین‌الملل نیز نو واقع‌گرایان در رابطه با چرایی علاقه کشورها به شکل‌دهی به یک ائتلاف نظامی ترس از یک یا چند کشور رقیب و مسائلی مثل تلاش برای موازنه قوا، موازنه تهدید و موازنه منافع را مورد اشاره قرار می‌دهند و در این بین نظریه هژمونی را که به‌معنای اثرگذاری قدرت برتر ساخته‌ای بین‌المللی متحد و همگرا است را مطرح می‌کنند.

در پژوهش حاضر از تکنیک تحلیل اثرات متقاطع و نرم‌افزار میک مک استفاده شد و پس از دریافت نظر کارشناسان در مورد میزان اثرگذاری عوامل مؤثر بر بازیگری ایالات متحده آمریکا در تحولات کنونی منطقه، نسبت به تحلیل آن اقدام شد؛ عواملی که برای دریافت میزان اثرگذاری آنها بر روی ابعاد مختلف امنیت در حوزه‌های مختلفی مثل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و جغرافیایی تقسیم‌بندی شدند.

خروجی نرم‌افزار نشان داد که عواملی مثل افزایش قدرت نظامی ایران در منطقه جنوب غرب آسیا و نفوذ ژئوپلیتیکی این کشور، یکی از نگرانی‌های اصلی آمریکا است و این کشور برای مقابله با شرایط پیش آمده با توجه به اختلاف‌های اساسی که در منافع مشترک با ایران دارد، از

هر کوششی فروگذار نمی‌کند. نگرانی آمریکا از کاهش قدرت نظامی رژیم صهیونیستی اسرائیل و آنچه که در اثر تغییرات کنونی در منطقه ایجاد شده است، موضوع مهم دیگری است که آمریکایی‌ها را ناچار کرده است تا در منطقه حاضر باشند و با در پیش گرفتن شکل‌دهی به یک ائتلاف در قالب نظریه هژمونی منافع خود را در بالاترین شرایط تأمین کنند.

گسترش اسلام و افزایش علاقمندی‌های جهانی به این دین و نیز افزایش حضور و فعالیت اقتصادی و نظامی رقبای جهانی آمریکا همانند چین و روسیه در جنوب غرب آسیا مسئله مهمی است که آمریکایی‌ها را ناچار کرده است تا در منطقه به دنبال ائتلاف‌های پایدار و الزام‌آور باشند و از احتمالات متفاوت با منافع کشورشان جلوگیری کنند. عواملی مثل افزایش مناسبات اقتصادی با کشورهای جنوب غرب آسیا، تسلط بر موقعیت جغرافیایی منطقه، تسلط سیاسی بر حاکمان کشورهای منطقه، تسلط بر منابع اقتصادی نفتی و غیرنفتی منطقه و نیز تغییر سبک زندگی مردم از جمله اهداف اصلی آمریکا در راستای منافع بلندمدت این قدرت جهانی است.

با این حال دموکراسی و تلاش برای ایجاد دموکراسی در کشورهای منطقه تنها متغیر مستقل پژوهش شناخته شد؛ اتفاقی که شاید معنای صحیح آن این باشد که الزاماً برای آمریکایی‌ها بود یا نبود دموکراسی در منطقه اهمیت ندارد. آنها هم می‌توانند با کشورهای دیکتاتوری کنار بیایند و هم می‌توانند کشورهای دموکرات و مردم‌سالار را تحمل کنند، مشروط بر آنکه منافع آمریکا در منطقه توسط کشور مورد نظر تأمین شود.

پژوهش حاضر نشان داد عامل توسعه جغرافیایی و تلاش آمریکایی برای توسعه جغرافیایی کشورهای منطقه چندان با حقیقت یکسان نیست. بر اساس مدل تکنیک اثرات متقاطع، توسعه کشورهای منطقه متغیر تأثیرپذیری است که از سایر عوامل اثر می‌پذیرد و با توجه به دو حقیقت آشکار کنونی یعنی عدم توسعه‌یافتگی بسیاری از کشورهای منطقه و نیز حضور دائمی و مداوم آمریکا در منطقه به‌خوبی روشن می‌شود که این دلیل با واقعیت همخوانی چندانی ندارد. در چنین شرایطی الگوی رابطه ژئوپلیتیکی میان کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا و ایالات متحده هیچ ارتباطی با تعامل و رقابت حتی با کشورهایی مثل عربستان سعودی و سایر هم‌پیمانان آمریکا ندارد و این کشور در فضایی بین الگوی رابطه ژئوپلیتیکی نفوذ در مقابل کشورهایی مثل ایران

که در برابرش مقاومت می‌کنند و نیز سلطه در برابر کشورهای مثل عربستان سعودی که هم‌پیمانش توصیف می‌شوند، قرار دارد.

بر اساس تفاسیر و بالا و اینکه افزایش مناسبات اقتصادی با کشورهای منطقه و تسلط بر منابع نفتی و غیرنفتی از اهداف اصلی آمریکایی‌ها در منطقه تعیین شد و از سویی نیز جلوگیری از افزایش قدرت نظامی ایران در جنوب غرب آسیا و افزایش قدرت نظامی رژیم صهیونیستی اسرائیل در کنار افزایش پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه از جمله عوامل تأثیرگذار ظاهر بود، به‌نظر در شرایط کنونی و آینده امنیت ملی ایران در حوزه‌های اقتصادی و نظامی به‌شدت تحت تأثیر قرار بگیرد و به چالش کشیده شود؛ چرا که می‌دانیم امنیت یعنی فقدان تهدید در رابطه با ارزش‌های موجود و این اهداف و عوامل تأثیرگذار به‌صورت مستقیم برای شاخص‌هایی که به آنها اشاره شد، تهدید قلمداد می‌شوند.

فعالیت‌های اقتصادی آمریکا در جنوب غرب آسیا، ایجاد هرگونه ائتلاف نظامی این کشور با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، مساعدت این کشور با کشورهای عرب منطقه در برداشت هر چه بیشتر از منابع سوخت زیرزمینی، گسترش پایگاه‌های نظامی آمریکا در مرزهای پیرامونی ایران، تبدیل این کشور به یک پشتوانه و متحد قوی برای کشورهای عربی در قبال ایران، اعمال محدودیت‌های سرمایه‌گذاری و تعامل ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس و... از جمله رخدادهای ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر امنیت ملی ایران است که در چارچوب این ائتلاف نظامی رقم خواهد خورد و هرکدام به‌نوعی امنیت ایران را متأثر خواهند کرد. به‌ویژه به این دلیل که ایران اکنون از جمله کشورهایی است که از نظر اقتصادی به‌شدت به منابع فسیلی خود متکی است و دنبال کردن هرگونه سیاست برای تحریم ایران، تعامل بیشتر اقتصادی با رقبای ایران و... امنیت ایران را از بعد اقتصادی، نظامی و... دچار آسیب خواهد کرد.

آمریکا با تلاش برای جلوگیری از گسترش دین اسلام و مقابله با انقلاب اسلامی ایران در کنار تلاش برای ایجاد پایگاه‌های نظامی در منطقه و نیز تغییر سبک زندگی مردم، سعی دارد نفوذ خود را بر روی کشورهای منطقه و به‌ویژه ایران دنبال کند و با شرایطی مثل تلاش برای تسلط سیاسی بر حاکمان، افزایش مناسبات اقتصادی با کشورهای منطقه و تسلط بر منابع نفتی و

غیرنفتی تلاش‌های خود را برای استمرار الگوی سلطه ژئوپلیتیکی بر کشورهای مثل عربستان سعودی و سایر هم‌پیمانانش ادامه دهد؛ موضوع مهمی که نشان می‌دهد تمایل آمریکا برای شکل‌دهی به یک ائتلاف نظامی عربی در منطقه که در قاب نظریه هژمونی نواواقع‌گرایان نیز قابل تفسیر است.

مطالب ذکر شده اشاره به استمرار تلاش‌ها و حضور آمریکا در منطقه است که امنیت ملی ایران را در ابعاد مختلف مثل اقتصادی و نظامی ایران با تحقق ائتلاف نظامی عربی ایران بیش از پیش تهدید خواهد کرد. در چنین شرایطی ضروری است دستگاه دیپلماسی ایران تا ائتلاف نظامی عربی محقق نشده است، تلاش مضاعفی را برای کاهش ایران هراسی در منطقه دنبال کند و به صورت مستقیم و غیرمستقیم کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس را نسبت به خسارت‌های امنیتی فراگیر این ائتلاف و منافع حداکثری که تنها برای آمریکایی‌ها پیش می‌آورد، آگاه سازد. مقامات سیاسی ایرانی همچنین ضرورت دارد بر اساس پیوندهای فرهنگی، دینی، تاریخی، جغرافیایی، اقتصادی و... که میان ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس وجود دارد، نسبت به آغاز یک حرکت جدید برای تعامل دوستانه با این کشورها اقدام کند و اجازه ندهد بسترها برای شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی که منطبق با منافع ضدایرانی آمریکا در منطقه است، بیش از پیش فراهم شود.

۷- قدرتدانی

پژوهش حاضر برگرفته از رساله دکتری با موضوع بررسی دلایل و زمینه‌های شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی در جنوب غرب آسیا و آثار آن بر روی امنیت جمهوری اسلامی ایران است که در دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران انجام شده است. نویسندگان از معاونت آموزشی دانشگاه تهران که بستر اجرای این پژوهش را فراهم کرد، قدرتدانی می‌نمایند.

References

- Dixon, T., Eames, M., Britnell, J., Watson, G. B., & Hunt, M. (2014). Urban retrofitting: Identifying disruptive and sustaining technologies using performative and foresight techniques. *Technological Forecasting and Social Change*, 89.
- Duerti, James and Paltzograph, Robert (2004), *Contradictory Theories in International Relations*, Vahid Bargey and Alireza Tayeb, Gomes Publication [in Persian].
- Hafeznia, Mohammad Reza (2006), *Geopolitical Principles and Concepts*, SAMT Publication[in Persian].
- Javadi Fath, Sarah (2005), *US Profits in the Great Middle East*, *Strategic Magazine* No. 35, Spring [in Persian].
- Karimipour, Davood (2013), *Investigating the Role and Consequences of American Presence in Iran from Constitutional to Conquering the Spy Nest*, American Institute of Studies [in Persian].
- Khadrizadeh, Ali Akbar (2006), *Atazoni Third Force, Iranian-American Relations from Nasiriyah to Qajar Extinction*, *Zamaneh: The Contemporary Iranian Thesaurus and Political History Month*, Vol. 5, No. 44 [in Persian].
- Mansouri Moghadam, Mohammad (2012), *Saudi foreign policy towards the Islamic Republic of Iran*, Doctoral dissertation, Dr. Mohammad Farhad Ataei, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran [in Persian].
- Mohammad Pour, Morteza and others (2016), *Identifying and analyzing the interactions of key factors and measuring regional sustainability with foresight approach*, *Journal of Geography and Environmental Sustainability*, Issue 20, Autumn 1995 [in Persian].
- Roshandel, Jalil (1995), *National Security and International System*, Tehran, SAMT Publication [in Persian].
- Brilmayer,Lea (1994), *American Hegemony*, New Haeven: Yale University Press.
- Dufva M Konola (2015), *Multi Layered foresight : lessons from regional foresight in chile futures*.
- Ekovich, Steven (2003), *Iran and New Threats in the Persian Gulf andMiddle East*, chapter in Hall Gardner, ed., *NATO and the European Union: New World, New Europe, New Threats*.
- Garfinkle, Adam (2015), *The Geopolitical Frame in the Contemporary*.
- Gelpi,Christopher (1999), *Allance as Instruments of Intra Allied Control*, in Haftendorn,Keohane and Wallander,op.cit.
- George, Jim (1993). *Of Incarceration and Closure: Neo-Realism and New/ Old World*, *Millennium, Journal of International Studies*.
- Hunter, shreen (1984), "Arab, Iranian Relations and Stability in Persian Gulf", *Washington Quarterly*, Vol. 7, No. 3.
- Kameoka, A., Yokoo, Y., & Kuwahara, T. (2004). *A challenge of integrating*

technology foresight and assessment in industrial strategy development and policymaking. *Technological Forecasting and Social Change*.

Mahdian, Hosein and others (2017), The Study of Geopolitical Resons on National Security of Iran in Nuclear Issue, *Geopolitics Quarterly*, Volume 13, No 2, Summer[in Persian].

-Myer, D., & Kitsuse, A. (2000), Constructing the future in planning: A survey of theories and tools. *Journal of Planning Education and Research*, 19(3).

-Ray, James (1998), *Global Politics*, New York Vanderbilt University.

-Sazmand, Bahareh and Jovkar, Madi (2016), Regional Security Collections and Relationship Patterns Between Persian Gulf countries, *Geopolitics Quarterly*, Volume 12, No 2, Summer [in Persian].

-Waltz, Kenneth (1979). *Theory of International Politics*.

-www.quora.com (2011) , Is Libya part of the Middle East?.